

ختنه زنان از دیدگاه فقه، حقوق و پزشکی

مسعود بسامی^۱

طاهره پاشایی

شهناز قره تپه

آمنه قره تپه

چکیده

سازمان بهداشت جهانی (WHO) برآورد کرده است که سالانه حدود سه میلیون زن و دختر در معرض بریدن آلت تناسلی قرار دارند. بریدن آلت تناسلی زنان درجات مختلفی دارد که از خفیف‌ترین و جزئی‌ترین نوع آن یعنی بریدن جزئی کلیتوریس تا شدیدترین نوع آن یعنی بریدن لب‌های بزرگ و کوچک فرج متفاوت می‌باشد. پزشکان و متخصصین تمام درجات بریدن آلت تناسلی زنان را برای سلامت آنان مضر دانسته و هیچ‌گونه فایده‌ای را بر آن مترتب نمی‌دانند. از سوی دیگری به نظر برخی فقهای اسلام خصوصاً متقدمین برش جزئی کلیتوریس که به ختنه زنان مشهور است، منعی نداشته به‌گونه‌ای که حتی قائل به مستحب بودن آن شده‌اند. لذا بین فقها و پزشکان در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد.

بسیاری از پزشکان و نویسندگان، تمام انواع بریدن آلت تناسلی زنان را به‌عنوان ختنه زنان تعریف کرده‌اند، اما در فقه و حقوق اسلام هیچ‌گاه بریدن آلت تناسلی زنان با ختنه زنان یکسان نبوده و دو موضوع متفاوت می‌باشند. به‌گونه‌ای که در اسلام بریدن آلت تناسلی زنان ممنوع بوه و مستوجب مجازات است. لکن ختنه در دیدگاه برخی فقهاء، که با این موضوع موافق هستند، منعی ندارد.

واژگان کلیدی

ختنه زنان، بریدن آلت تناسلی زنان، پزشکی، فقه، حقوق

۱. پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات کرمانشاه، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی

Email: mbassami1360@gmail.com

ختنه زنان از دیدگاه فقه، حقوق و پزشکی

یکی از اعمال جراحی که در برخی کشورها بر روی زنان صورت می‌گیرد، بریدن قسمت‌هایی از آلت تناسلی آنان (به تعبیر برخی ختنه) می‌باشد. هدف از انجام این عمل از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از یک خانواده به خانواده دیگر متفاوت است. به‌طور کلی دلایلی که برای انجام آن می‌توان ذکر کرد، عبارتند از: اعتقادات مذهبی، عمل به سنت‌ها، کنترل میل جنسی زنان، کمک به حفظ پاکیزگی و زیبایی، جلوگیری از نازایی، افزایش سطح بهداشت و... اما اینکه این باورها تا چه حد با واقع منطبق است، موضوعی است که در این پژوهش به آن پرداخته شده است.

از حیث پیشینه تحقیق تاکنون تحقیق جامعی که موضوع را از سه جنبه فقهی، حقوقی و پزشکی بررسی نموده باشد صورت نگرفته و مطالعات انجام شده صرفاً موضوع را از بعد پزشکی مورد بررسی قرار داده‌اند.

وجود دیدگاه‌های متعارض بین فقها و پزشکان در باب ختنه زنان از یک سو و فقدان تحقیقی که به بررسی سوابق فقهی ختنه زنان پرداخته باشد، از سوی دیگر و همچنین استنباط و تعبیر اشتباه از بریدن دستگاه تناسلی زنان به‌عنوان ختنه زنان، ضرورت انجام تحقیقی را در این زمینه نمایان می‌سازد. در این پژوهش با دیدگاهی مقایسه‌ای بین فقه، حقوق و پزشکی سعی شده است به سؤالات ذیل پاسخ داده شود: ۱. آیا بریدن آلت تناسلی زنان با ختنه زنان یکی می‌باشد. ۲. نظر اسلام راجع به ختنه زنان چیست. ۳. پزشکان راجع به ختنه زنان چه نظری دارند. ۴. آیا در حقوق ایران ختنه زنان ممنوع است یا خیر؟ مطالب این مقاله در سه قسمت تدوین گردیده است. در قسمت «الف» موضوع از دیدگاه پزشکی

بررسی شده است. در قسمت «ب» دیدگاه اسلام راجع به ختنه زنان بیان گردیده و در قسمت «ج» نیز به بررسی ختنه زنان در حقوق ایران پرداخته شده است.

الف - ختنه زنان از دیدگاه پزشکی

۱- تعریف و انواع

بریدن یا مثله کردن آلت تناسلی زنان به انگلیسی: Female genital cutting / Female genital mutilation براساس تعریف سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۷م.) عبارت است از: کلیه روش‌هایی که منجر به آسیب رساندن یا خارج کردن تمام یا قسمتی از دستگاه تناسلی زنان براساس اهداف فرهنگی یا سایر دلایل غیرطبیعی می‌شود (تیلور، ۲۰۰۳).

در تعریف دیگری بریدن آلت تناسلی زنان، شامل همه روش‌های برداشت جزئی یا کلی از بخش خارجی دستگاه تناسلی زنان بدون دلایل خاص پزشکی می‌باشد (جنتنت و همکاران، ۲۰۰۹).

در یک تقسیم‌بندی جدید، سازمان بهداشت جهانی (WHO) عمل بریدن آلت تناسلی زنان را به چهار نوع طبقه‌بندی کرده است: ۱. نوع اول شامل برداشتن بخشی یا تمام کلیتوریس است ۲. نوع دوم شامل برداشتن نسبی یا تمام کلیتوریس و لب‌های کوچک می‌باشد ۳. نوع سوم شامل تنگ کردن دهانه واژن از طریق ایجاد یک مهر و موم پوششی با قطع کردن و تغییر مکان دادن لب‌های کوچک و بزرگ با یا بدون برش کلیتوریس تعریف شده است ۴. نوع چهارم شامل برداشت بافت نیست. سازمان بهداشت جهانی نوع چهارم را به تمام روش‌های دردآور دیگر به اندام تناسلی زنان برای مقاصد غیرپزشکی مانند سوراخ کردن، سوزن زدن، اثر زخم گذاشتن و یا پاره کردن مادگی تعریف کرده است (WHO.2008).

در سال ۱۹۹۷م. سازمان بهداشت جهانی، بریدن آلت تناسلی زنان را به سه نوع تقسیم کرده بود: در نوع اول بریدن دستگاه تناسلی زنان، کلیتوریس برداشته می‌شود، در نوع دوم، کلیتوریس به همراه لب‌های کوچک فرج بریده می‌شود و در نوع سوم، پس از برش کلیتوریس و لب‌های کوچک فرج، لب‌های بزرگ به هم نزدیک آورده شده و دوخته می‌شود (WHO.1997).

۲- نام‌گذاری (لغت‌شناسی)

معادل صحیح انگلیسی ختنه زنان عبارت «Women's circumcision» می‌باشد. با این وجود در تألیفاتی که به زبان فارسی صورت گرفته بسیاری از نویسندگان عبارت Female Genital Mutilation (FGM) را به ختنه زنان ترجمه کرده‌اند. و تعاریفی را که در فوق برای بریدن آلت تناسلی زنان ارائه نمودیم و نیز انواع آن را به‌عنوان تعریف ختنه زنان و انواع آن آورده‌اند. لکن به نظر می‌رسد چنین ترجمه‌ای و آوردن آن تعاریف و انواع ذیل عنوان ختنه زنان صحیح نباشد؛ زیرا با فرهنگ ایرانیان و خصوصاً با دین اسلام تطابق ندارد و چنانکه در مباحث بعدی خواهد آمد در دین اسلام و به تبعیت از آن در فرهنگ ایران هیچ‌گاه بریدن آلت تناسلی زنان با ختنه زنان یکسان نبوده و تفاوت‌های بنیادین با یک دیگر دارند. بنابراین حتی اگر در کشورهای غربی بریدن آلت تناسلی زنان را ختنه بدانند و تعاریف ارائه شده را به‌عنوان تعریف ختنه زنان بیاورند، چنین تعبیری با دین و فرهنگ ما سازگار نبوده و نمی‌توانیم از آنها استفاده نماییم. همچنانکه در خصوص ختنه مردان هیچ‌گاه آن را بریدن آلت تناسلی مردان نمی‌دانیم. (به همین دلیل در این پژوهش هرچند در منابع مورد استفاده از واژه‌ی ختنه زنان برای تمام انواع بریدن آلت تناسلی زنان استفاده شده است ما از به‌کار بردن این واژه در معنایی غیر از معنای حقیقی آن پرهیز نموده‌ایم).

به هر ترتیب در حال حاضر عبارت (Female Genital Mutilation (F GM) (مثله کردن آلت تناسلی زنان) در معنای ختنه زنان نیز به کار می‌رود. این عبارت در اواخر دهه هفتاد میلادی مورد استقبال قرار گرفت (بریدن آلت تناسلی زنان: WWW.wikipedia.org).

در سال ۱۹۹۰م، این واژه در سومین کنفرانس کمیته بین آفریقایی، در مورد مناسک سنتی که بر سلامت زنان و کودکان تأثیر دارد، در آدیس آبابا، پذیرفته شد. یکسال بعد، سازمان بهداشت جهانی به سازمان ملل توصیه نمود تا این واژه به کار گرفته شود. به دنبال این توصیه این واژه به طور گسترده در اسناد سازمان ملل مورد استفاده قرار گرفت (همان).

استفاده از لفظ «مثله کردن زنان» منتقدینی داشته است. منتقدین استدلال می‌کنند: این کلمه واژه‌ای تحقیرآمیز و ارزشی بوده زیرا قصد آزار دادن و مثله کردن را به کل افراد یک جامعه نسبت می‌دهد (در حالی که چنین چیزی در اکثر موارد صحت ندارد) و ممکن است زنانی که تحت این عمل قرار گرفته‌اند و خود را مثله شده نمی‌یابند و خانواده‌شان را مثله گر نمی‌دانند، این توصیف را توهینی به خود و خانواده‌شان بپندارند. گروه فعالان زن آفریقایی برای تحقیق و توسعه، ضمن اعلام مخالفت با بریدن دستگاه تناسلی زنان، استفاده از کلمه «مثله کردن جنسی زنان» را به شدت محکوم کرده و استفاده از این گونه کلمات تحقیرآمیز را مصداق نژادپرستی و روحیه تخاصمی غربی‌ها دانسته است (همان).

از اواخر دهه نود عبارت (Female Genital Cutting (FGC (بریدن آلت تناسلی زنان) نیز در متون علمی و تحقیقاتی مورد استفاده قرار گرفته است (همان).

۳- پیشینه تاریخی

منشأ تاریخی بریدن دستگاه تناسلی زنان به درستی شناخته نشده، اما شواهدی از انجام آن در اجساد مومیایی مصر به اثبات رسیده است (بارستو دی، ۱۹۹۹). مورخ یونانی هرودوت وجود این رسم را در بین مصریان در سال پنجم قبل از میلاد گزارش کرده است. هرودت همچنین گزارش می‌کند که رومی‌ها، اتیوپی‌ها و فینیقی‌ها نیز قطع دستگاه تناسلی زنان را انجام می‌دهند. جغرافیدان یونانی استرابو آن را در بین مصریان در حدود سال ۲۵ قبل از میلاد گزارش می‌کند. این رسم هدفش جلوگیری از بی‌قاعدگی جنسی نمی‌بود، بلکه نوعی مناسک گذار به حساب می‌آمده است که ریشه‌ی آن در افسانه‌های مربوط به مصر باستان و دیگر مردمان آفریقایی بوده است. این مردمان بر این اعتقاد بودند که ارواح خدایان و انسان‌ها دو جنسی می‌باشند. این ارواح ویژگی‌های دوجنسی خود را روی ارگان‌های تناسلی تصویر می‌کنند، بدین‌گونه که زنانگی مرد در پوست روی اندام جنسی مرد، و روح مردانه زن در کلیتوریس اوست. برش این بخش‌ها عملاً بخش زنی مرد را می‌زداید و او را به یک مرد کامل تبدیل می‌کند و بخش مردی زن را می‌زداید و او را به یک زن کامل تبدیل می‌کند (بریدن آلت تناسلی زنان: www.wikipedia.org).

در برخی منابع فقهی شیعه و اهل سنت آمده است که اول زنی را که ختنه کردند، هاجر مادر اسماعیل (ع) بود، که ساره مادر اسحاق از روی غضب او را ختنه کرد و باعث زیادت‌ی خوبی او شد. از آن روز سنت جاری شد که زنان را ختنه کنند و بعد از اسلام نیز این سنت وجود داشت (مجلسی، ۱۳۷۵ ه.ق، ص ۱۰۶ و الشربینی، ج ۴، ۱۳۷۷ ه.ق، ص ۲۰۳).

۴- عوارض پزشکی بریدن آلت تناسلی زنان

سازمان بهداشت جهانی برآورد کرده است که سالیانه بیش از سه میلیون زن و دختر در ۲۸ کشور جهان برخی از آفریقا، برخی از کشورهای آسیایی (مالزی، اندونزی) و کشورهای خاورمیانه (امارات متحده عربی و عراق و...) در معرض عمل بریدن آلت تناسلی هستند و با عوارض آن زندگی می‌کنند. (WHO. 1997.2008) از دیدگاه پزشکی بریدن اندام تناسلی زنان (تمام انواع آن) هیچ سودی بر سلامت آنان ندارد، بلکه دارای عوارض کوتاه‌مدت و بلندمدت و عوارض روانی بر آنان می‌باشد. در این عمل به بافت دستگاه تناسلی آسیب وارد می‌شود و عملکرد طبیعی دستگاه تناسلی را مختل می‌کند. از عوارض فوری بریدن دستگاه تناسلی زنان می‌توان به درد شدید، خونریزی، عفونت باکتریال، دفع دردناک در هنگام ادرار، عدم تخلیه ادرار و گاهی شوک و تشنج اشاره کرد. عفونت دستگاه ادراری، کیسه مثانه، کیستیت، ناباروری، نیاز به جراحی مجدد و مشکلات و مخاطرات در هنگام زایمان از عوارض طولانی‌مدت آن محسوب می‌شود (WHO.2008). همچنین بریدن آلت تناسلی زنان احتمال ابتلا به عفونت‌ها را افزایش می‌دهد و سبب انتقال عفونت‌ها از جمله انتقال ویروس HIV و هپاتیت B می‌شود (ابوسهلیه، ۱۹۹۴م). به‌علاوه برداشتن کلیتوریس و سایر بافت‌های حساس اندام تناسلی، رضایت جنسی زنان را کاهش می‌دهد (احدی، خدیوزاده، علوی و اسماعیلی، ۱۳۸۲ش).

دردهای عصبی، مشکلات روانی و استرس‌های بعد از عمل از جمله پیامدهای ناقص‌سازی می‌باشد. با بررسی‌های متعددی که توسط سازمان بهداشت جهانی صورت گرفته، این نتیجه حاصل شد که هیچ‌گونه فواید طبی و بهداشتی در حمایت از درجات مختلف بریدن آلت تناسلی زنان وجود ندارد (همان).

۵- هدف از بریدن آلت تناسلی زنان

هدف انجام بریدن آلت تناسلی زنان و همچنین سن و درجه انجام آن از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از یک خانواده به خانواده دیگر متفاوت است. به‌طور کلی دلایلی که برای انجام آن می‌توان ذکر کرد عبارتند از: اعتقادات مذهبی، عمل به سنت‌ها، کنترل میل جنسی زنان، کمک به حفظ پاکیزگی و زیبایی، حفظ وضعیت دختر بودن، جلوگیری از رشد غیرطبیعی دستگاه تناسلی، جلوگیری از نازایی و مرگ جنین هنگام زایمان و افزایش سطح بهداشت (رایبسون، ۲۰۰۱).

در مجموع علت بریدن دستگاه تناسلی شامل ترکیبی از فاکتورهای اجتماعی، مذهبی و فرهنگی می‌باشد (جونز و همکاران، ۲۰۰۱). سن انجام عمل می‌تواند از دو هفته بعد از تولد دختر تا قبل از ازدواج نیز باشد و معمولاً این عمل از سنین نوزادی تا ۱۵ سالگی و گاهی نیز برای دختران جوان انجام می‌شود (رایبسون، ۲۰۰۱). در اکثر جوامع، بریدن دستگاه تناسلی توسط افراد فاقد تخصص و بیشتر توسط ماماها یا سنی و با روش‌های غیربهداشتی و بدون استفاده از بیهوشی و یا بی‌حسی و با وسایل ابتدایی نظیر تیغ، چاقو، شیشه شکسته انجام می‌شود. البته در برخی از جوامع، توسط پرسنل پزشکی آموزش دیده انجام می‌شود (احمدی و همکاران، ۱۳۸۲، unicef 2005).

در ایران این رسم در استان بوشهر، هرمزگان، کردستان، خوزستان، لرستان، وجود دارد (بریدن آلت تناسلی زنان: www.wikipedia.org).

در یک بررسی میدانی نشان داده شده است که میزان ختنه زنان در شهرستان میناب حدود ۷۰٪ است. در این مطالعه توصیفی تحلیلی ۴۰۰ زن ۱۵ تا ۴۹ ساله مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر میناب گزینش شدند. شیوع ختنه ۷۰ درصد بود. ختنه درجه یک ۸۷/۴٪ (۲۴۴ نفر) و ختنه درجه دو ۱۲/۶٪ (۳۵ نفر) بود. (واژه ختنه را محققین مطالعه مذکور به کار برده‌اند) (احمدی و همکاران، ۱۳۸۲).

ب - دیدگاه اسلام در مورد ختنه زنان

در ابتدای مبحث قبل توضیح دادیم که بریدن دستگاه تناسلی زنان ۴ حالت دارد که عبارت بودند از:

۱. بریدن تمام یا بخشی از کلیتوریس ۲. بریدن تمام یا بخشی از کلیتوریس و لب‌های کوچک ۳. تنگ کردن دهانه واژن از طریق ایجاد یک مهر و موم پوششی با قطع کردن و تغییر مکان دادن لب‌های کوچک و بزرگ با یا بدون برش کلیتوریس ۴. سایر (تمام) روش‌های دردآور دیگر بر اندام تناسلی مانند سوراخ کردن، اثر زخم گذاشتن و...

محققین و نویسندگان داخلی در تألیفات خود موارد فوق‌الذکر را به‌عنوان انواع ختنه زنان تعریف کرده‌اند که این نام‌گذاری و درجه‌بندی با دین اسلام (صرف‌نظر از پذیرش یا عدم پذیرش آن) و فرهنگ ایرانیان منطبق نبوده و صحیح نیست و همین نام‌گذاری غلط باعث سوء تعبیرها و نسبت دادن امور خلاف واقع به دین اسلام شده است و دستخوشی برای محفل حقوق بشری گردیده است.

دین اسلام با درجات دوم و سوم و چهارم بریدن دستگاه تناسلی زنان مخالف بوده و حتی برای آن مجازات تعیین نموده است. درخصوص نوع اول نیز که آن را بریدن جزئی یا کلی کلیتوریس دانستیم می‌توان گفت که با بریدن کلی کلیتوریس نیز مخالف است. اما در خصوص بریدن جزئی کلیتوریس اینکه این نوع بریدن در اسلام تحت عنوان ختنه زنان مطرح می‌باشد یا اینکه عمل برش فقط محدود به بریدن پوست (غلفه) روی کلیتوریس است، موضوع دقیقاً مشخص نیست.

۱- دیدگاه فقه امامیه

۱-۱- بحث روایی

آنچه از روایات صحیحیه برمی آید این است که ختنه زنان برخلاف ختنه مردان از واجبات نیست. در ذیل به دو قسم از این روایات (صحیحیه) اشاره می شود:

در اصول کافی جلد ۶ کتاب النکاح باب العقیقه چنین آمده است:

۱. «محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن محبوب عن ابن رثاب عن ابی بصیر قال سالت ابا جعفر (ع) عن الجاریه تسبی من ارض الشرک فتسلم فتصلب لها من یخفضها فلا نقدر علی امرها فقال: اما السنه فی الختان علی الرجال و لیس علی النساء» (برزگر بفرویی، ج ۱، ۱۳۸۲ ش، ص ۸۵۳).

ترجمه: محمد بن یحیی از احمد بن محمد از محبوب از ابن رثاب از ابی بصیر از امام باقر (ع) درباره کنیزی که از سرزمین شرک به اسارت گرفته شده و اسلام آورده بود، پرسیدم که در جستجوی کسی بودند که وی را ختنه کنند فولی زنی را نیافتیم، امام در پاسخ فرمود ختنه بر مردان است و بر زنان واجب نیست.

۲. «محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی عن محمد بن عیسی عن عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله (ع) قال: ختان الغلام من السنه و خفض الجواری لیس من السنه» (همان).

ترجمه: محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی از محمد بن عیسی از عبدالله بن سنان از اما صادق (ع) که فرمودند: ختنه پسر سنت است و ختنه دختر سنت نیست. در روایت دیگری در اصول کافی که می توان با دید رجالی سختگیر در سند آن ایراد خدشه نمود و آن را ضعیف دانست، اما براساس مبانی رجالی موثق خواهد بود، آمده است: «عده من اصحابنا عن سهل بن زیاد عن علی بن اسباط عن خلف بن حماد عن عمرو بن ثابت عن ابی عبدالله (ع) قال کانت امرأه یقال لها ام

طیبه تخفض الجواری فدعاها رسول الله (ص) فقال لها يا ام طیبه اذا انت خففت امراه فاشمی و لاتجفی فانه اصفی للون و احظی عندالبعل» (همان).

ترجمه: عده‌ای از اصحاب از سهل بن زیاد از علی بن اسباط از خلف بن حماد از عمرو بن ثابت از امام صادق (ع) روایت می‌کنند که فرمود: زنی به نام ام طیبه دختران را ختنه می‌کرد پیامبر او را فرا خواند و به او فرمود ای ام طیبه زمانی که زنان را ختنه می‌کنی اندکی بگیر و تمام آن را برندار این کار رنگ رخسار را صفا می‌بخشد و برای شوهر لذت‌بخش‌تر است.

در کتاب تهذیب الاحکام جلد ۷ کتاب نکاح، نیز روایاتی در باب ختنه زنان آورده شده که به شرح ذیل می‌باشند:

۱. «عنه عن علی بن ابراهیم عن ایبه عن هارون بن مسلم عن مسعده بن صدقه عن ابی عبدالله (ع) قال: خفض الجواری مکرمه و لیست من السنه و لاشیئا واجبا وای شی افضل من المکرمه» (بزرگر بفرویی، ج ۲، ۱۳۸۲، ص ۲۱۶۲).

ترجمه: از علی بن ابراهیم از پدرش از هارون بن مسلم از مسعده بن صدقه از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمود: ختنه زنان مکرمت است اما سنت نیست و واجب نیست، ولی چیزی با فضیلت‌تر از مکرمت است.

۲. «و عنه عن عده من اصحابنا عن احمد بن محمد بن ابی نصر عن هارون بن الجهم عن محمد بن مسلم عن ابی عبدالله (ع) قال: لما هاجرت النساء الی رسول الله (ص) هاجرت فیهن امراه یقال لها ام حبیب و کانت خافضه تخفض الجواری فلما راها رسول الله قال لها يا ام حبیب العمل الذی کان فی یدک هو فی یدک الیوم قالت نعم یا رسول الله الا ان یکون حراماً فتنهانی عنه قال لا، بل حلال فادنی منی حتی اعلمک قال فدننت منه قال یا ام حبیب اذا انت فعلت فلا تنهکی ای لاتستاصلی واشمی فانه اشرق للوجه واحظی عندالزوج» (همان).

ترجمه: عده‌ای از اصحاب از احمد بن محمد بن ابی نصر از هارون بن الجهم از محمد بن مسلم از امام صادق (ع) که فرمود: زمانی که زنان به دنبال پیامبر هجرت کردند در میان ایشان زنی بود که وی را ام حبیب می‌گفتند ختنه کننده‌ای بود که زنان را ختنه می‌کرد. هنگامی که رسول خدا (ص) او را دید فرمود: ای ام حبیب هنوز مشغول کاری که در گذشته انجام می‌دادی هستی، پاسخ داد آری یا رسول‌الله، مگر اینکه حرام باشد و مرا از آن نهی بفرمایی. پیامبر فرمود نه، بلکه حلال است؛ نزدیک‌تر بیا تا به تو آموزش دهم. گفت نزدیک‌تر رفتم، سپس پیامبر فرمود ای ام حبیب وقتی این کار را انجام می‌دهی زیاده‌روی نکن؛ یعنی تا انتها مبر و اندکی بگیر که این عمل چهره را نورانی می‌کند و برای شوهر لذت‌بخش‌تر است.

در کتاب من لایحضر الفقیه جلد ۳ باب العقیقه از شیخ صدوق نیز چنین آمده است: «و روی غیاث بن ابراهیم عن جعفر بن محمد عن ابیه (ع) قال، قال علی (ع): لا باس ان لا تختتن المراه فاما الرجل فلا بد منه» (همان، ج ۱، ص ۱۴۴۶).

ترجمه: غیاث بن ابراهیم از امام صادق (ع) که امام باقر (ع) نقل فرمودند که علی (ع) فرمودند: ایرادی ندارد که زن ختنه نشود ولی مرد ناگزیر از آن است.

آنچه از روایات فوق استنباط می‌شود این است که اولاً ختنه زنان عمل حرامی نمی‌باشد. ثانیاً واجب نیست. ثالثاً مکرمه برای زنان است و چنانکه خواهد آمد مکرمه خواندن ختنه دختران، در نگاه اغلب فقهای متقدم استحباب دانسته شده است. جهت روشن شدن موضوع کلام فقها را در این خصوص بیان می‌کنیم.

۱-۲- نظرات فقها

۱-۲-۱- فقهای متقدم

مرحوم محقق حلی می‌فرماید: «والختان واجب و خفض الجوارى مستحب» ترجمه: ختنه پسران واجب است و ختنه دختران مستحب است (ج ۲-۱، ۱۳۸۶، ص ۶۶۶).

علامه حلی می‌فرماید: «و خفض الجوارى مستحب...» (۱۳۷۴ ش، ص ۵۵۹)

شهید اول: «و يستحب خفض النساء و ان بلغن» (ج ۱، ۱۳۸۹ ش، ص ۹۳)

شهید ثانی: «و يستحب خفض النساء و ان بلغن ، قال الصادق (ع) خفض النساء مکرمه وای شی افضل من المکرمه» (۱۳۸۰ ش، ص ۳۴۰)

علامه مجلسی نیز ختنه زنان را مستحب می‌داند (۱۳۷۵ ش، ص ۱۰۶).

مرحوم صاحب جواهر در مورد ختنه دختران در خصوص استحباب آن قائل به اجماع شده و روایات وارده را در این خصوص مستفیض و متواتر دانسته است. ایشان می‌فرمایند: «اما فی الاناث المعبر عنه فی کلام الاصحاب بخفض الجوارى فمستحب بلا خلاف، بل الاجماع بقسیمه علیه، و لنصوص مستفیضه فيه او متواتره...» (ج ۳۱، ۱۳۸۶ ش، ص ۲۶۲).

با توجه به موارد فوق مشخص می‌شود که مسأله ختنه دختران قبلاً نزد فقهای متقدم به‌طور اجماعی مستحب شناخته شده است.

۱-۲-۲- فقهای معاصر

آیت‌اله خویی

آیت‌اله ابوالقاسم خویی در منهاج‌الصالحین می‌فرماید: مستحب است دختر را نیز ختنه کنند، هرچند بالغ شود و بهتر است دختر را در سن هفت سالگی ختنه کنند (فلاح‌زاده، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۲).

آیت‌اله مکارم شیرازی

ختنه کردن دختران و زنان نزد علمای شیعه به اجماع و اتفاق واجب نیست؛ ولی حکم به استحباب آن کرده‌اند. در مورد طریقه آن در روایات تصریح شده که آن عضو مخصوص از ریشه برداشته نشود، بلکه تنها قسمت بالای آن برداشته شود؛ توضیح آنکه در بالای فرج قطعه گوشت کوچکی وجود دارد که ختنه مربوط به آن است. در حال حاضر هم در محیط اسلامی به این امر عمل نمی‌شود؛ زیرا به اتفاق علمای شیعه جزء واجبات نیست و لزومی ندارد اقدام به چنین کاری کنند (ج ۲، ۱۳۷۸ش، ص ۳۷۵).

آیت‌اله صانعی

ختنه دختران، مستحب نبوده و نمی‌باشد. و یک امر مردمی و خواسته افراد در زمان‌ها و مکان‌ها بوده و جهتش همان حسن و زیبایی و کرامت نزد شوهر است. وجوب آن حتی اگر از نظر فقهی و حکم اولی آن، فی حد نفسه قابل اثبات باشد، چنانچه موجب بروز ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی و ضرر گردد و نیز علت و فایده‌ای بر آن مترتب نباشد، و... چه رسد به همه آنها، به خاطر آن امور و آن شرایط باید قائل به حرمت و عدم جواز در این گونه زمان‌ها شد (ج ۲، ۱۳۸۴ش).

آیت‌اله محمد حسین فضل‌الله

ختنه زنان ساخته و پرداخته اسلام نبوده و سنت و مستحب نمی‌باشد. بلکه اسلام آن را آن را جزو امور پسندیده اجتماعی به حساب آورده است که می‌شود آن را جزو سنت‌ها و رسوم مورد عمل آن زمان (جاهلی) برشمرد.

در ادامه آیت‌اله فضل‌الله روایت مربوط به ام طیبیه را که سابقاً ذکر نمودیم بیان می‌دارد و می‌فرماید: پیامبر (ص) در پرداختن به موضوع ختنه آن را مطلقاً مباح نمی‌شمارد، بلکه نوعی نفرت را در آن برمی‌شمارد. حتی از فرمایش «فلا تنهکی ولا تستاصلی» هم می‌تواند تحریم شرعی ختنه را فهمید. چرا که اصولی‌ها معتقدند

ظاهر نهی همان حرمت است، مگر اینکه دلیلی بر عدم آن وجود داشته باشد (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌اله محمدحسین فضل‌الله: www.bayynat.ir).

۱-۳- نقد و بررسی ادله موافقین و مخالفین

چنانکه ملاحظه می‌شود، در فقه شیعه در باب ختنه زنان بین فقها دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول قائل به استحباب بوده و دیدگاه دیگر قائل به عدم استحباب است. دیدگاه فقهای که قائل به استحباب بوده از سه جهت از قوت برخوردار می‌باشد: ۱. نظر مشهور فقها است و فقیهان نامداری چون محقق حلی و صاحب جواهر بر این عقیده هستند. ۲. مستند به روایات وارده از پیامبر (ص) و ائمه (ع) است، که علاوه بر فقه شیعه در فقه اهل سنت نیز همچنان که خواهد آمد نقل گردیده است. ۳. بر آن ادعای اجماع شده است. در مقابل دیدگاه مخالف که نظر اقلیت معدودی می‌باشد فقط استنباط شخصی از برخی (نه همه) روایات بوده و وقتی در مقابل سایر روایات و اجماع قرار می‌گیرد، می‌توان گفت اجتهاد در مقابل نص است. و به نظر می‌رسد بیش از آنکه مبتنی بر ادله فقهی باشد متأثر از دیدگاه پزشکان و نویسندگانی است که بریدن آلت تناسلی زنان را مضر دانسته و مخالف حقوق بشر می‌دانند. اما همچنانکه ذکر شد مخالفت واقعی و جدی پزشکان در واقع با بریدن آلت تناسلی زنان است که به اشتباه از آن به ختنه زنان تعبیر شده است. و در استفتات صورت گرفته نیز به این موضوع توجه نشده است. همچنین برخلاف عقیده برخی دیگر از فقها (آیت‌الله فضل‌الله) که معتقدند روایت مربوط به ام حبیب ظهور در نهی پیامبر از ختنه دارد، باید گفت که روایت به صراحت به حلال بودن آن اشاره دارد. پیامبر در پاسخ زن ختنه‌کننده، می‌فرماید: «لا، بل حل: نه بلکه حلال است.» و همچنین پیامبر در ادامه می‌فرماید: نزدیک‌تر بیا تا به تو نحوه آن را آموزش دهم. لذا مشخص می‌گردد که ختنه زنان از نظر

پیامبر حرام نمی‌باشد. دلیل دیگر که ادعا شده آن است که ختنه زنان رسم جاهلی بوده است. در حالی که همان‌طور که ذکر شد اول زنی که ختنه گردید، هاجر مادر اسماعیل (ع) بود. در مجموع به نظر می‌رسد دیدگاه فقهای که معتقد به استحباب ختنه زنان هستند، اقوی باشد.

۲- فقه عامه

در باب ختنه زنان و دختران نزد علمای اهل سنت نیز مشهور، عدم وجوب است. ابن قدامه در مغنی تصریح کرده که قول اکثر اهل علم عدم وجوب است (ابن قدامه، ج ۱، ص ۷۰). در کتب حدیث عامه در مسند احمد حنبل نیز عدم وجوب آن در مورد زنان، بدین شرح روایت شده است: «حدثنا عبدالله حدثني ابي ثنا سريج ثنا عباد يعني ابن العوام عن الحجاج عن ابي المليح بن اسامة عن ابيه ان النبي صلي الله عليه وسلم قال : الختان سنة للرجال مكرمه للنساء.» (احمد حنبل، ج ۵، ص ۷۵) در روایت دیگر نیز چنین آمده: «ما اخبرنا ابوالقاسم الشحامی انا ابوسعید محمد بن عبدالرحمان انا ابو احمد محمد بن محمد بن احمد بن اسحاق الحافظ انا ابواللیث سلم بن معاذ التمیمی بدمشق نا علي بن حرب نا ابن فضیل عن الحجاج بن ارطاه عن ابي المليح عن شداد بن اوس قال قال نبي (ص) الختان سنة للرجال مكرمه للنساء» (معروف به ابن عساکر، ج ۲۲، ص ۱۵۶).

در فقه شافعی مشهور، وجوب ختنه زنان است. در مغنی‌المحتاج آمده است: «ويجب الختان المراه بجزء ای قطعه من اللحمه الكائنه باعلى الفرج وهی فوق تقبه البول تشبه عرف الدیل فاذا قطعت بقي اصلها كالنواه ، ويكفي قطع مايقع عليه الاسم» (الشریعی، ج ۴، ص ۲۰۲).

در کتاب اعانه الطالبین تألیف سید البکری از فقهای شافعی نیز آمده است: «لخبر ابي داوود وغيره انه (ص) قال: للختانه اشمي ولاتنهكي فانه احظي للمراه واحب

للبلع. اي لزياده في لذه جماع و في رواية اسرى للوجه اي اكثر لمائه و دمه» (البكري، ج ۴، ص ۱۷۵).

دکتر یوسف قرضاوی از مفتیان اهل سنت در کتاب دیدگاه‌های فقهی معاصر (ج ۱، ۱۳۸۰) در پاسخ به این سؤال که؛ حکم اسلام درباره‌ی ختنه کردن دختران چیست؟ بیان می‌دارد:

در ارتباط با این موضوع میان علما و پزشکان اختلاف است و سالهاست که بحث و جدل‌های پیرامون این موضوع در مصر جریان دارد. بعضی از پزشکان آن را تأیید می‌کنند، و بعضی مخالف آن هستند و بعضی هم از علمای اسلامی نیز مؤید این موضوع‌اند و بعضی مخالف آن هستند. معتدل‌ترین و نزدیک‌ترین اقوال به واقع، همان ختنه سبک است، همانطور که در بعضی احادیث - اگر چه به درجه صحیح نرسیده باشند - در این باره وارد شده است که پیامبر به زنی که می‌خواست چنین عملی را انجام دهد، فرمود: «اشمی و لا تنهکی فانه انضر للوجه و احظی عند الزوج؛ ختنه در مقدار کم انجام بده که باعث زیبایی رخسار و لذت بردن شوهر است». ضمناً ممالک اسلامی درباره این موضوع با یک دیگر اختلاف نظر دارند، بعضی ختنه را انجام می‌دهند و بعضی انجام نمی‌دهند، خلاصه هرکسی ختنه را مناسب و شایسته دخترانش بداند، آن را انجام می‌دهد. من نیز در این عصر کنونی این نظریه را تأیید می‌نمایم و هرکسی آن را ترک کند، گناهی بر او نیست؛ زیرا جزء فضایل و مکارم زنان به شمار نمی‌آید (ص ۵۵۲).

ج - بررسی حقوقی ختنه زنان و بریدن آلت تناسلی آنان

۱- بررسی حقوقی ختنه زنان

در قوانین جمهوری اسلامی ایران حکمی در خصوص ختنه زنان (منع یا جواز) وجود ندارد. با این وجود در ماده ۳۲۰ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هرگاه

ختنه کننده در اثر بریدن بیش از مقدار لازم موجب جنایت یا خسارت شود ضامن است اگرچه ماهر بوده باشد» ماده مرقوم با توجه به اینکه ختنه پسران در دین اسلام واجب است و نیز با توجه به سوابق فقهی آن ظهور در ختنه پسران دارد. مستند ماده روایتی است که مقرر می دارد حضرت علی (ع) ختنه کننده ای را که حشفه پسریچه ای را قطع کرده بود ضامن دانست (زراعت، ۱۳۸۱، ص ۲۸۶).

اما درخصوص ختنه دختران، با توجه به سکوت قانون، چنانچه این عمل واقع شود، به تجویز اصل ۱۶۷ قانون اساسی و نیز ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، جهت یافتن حکم قضیه باید به منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر رجوع کرد و چنانکه ذکر شد نظر مشهور فقها قائل به جواز ختنه دختران است. لذا براساس این نظر ختنه دختران حرام و ضمان آور نمی باشد. لکن چنانچه بیش از حد لازم صورت گیرد، موجب ضمان خواهد بود (همان، ص ۲۸۷). هرچند می توان این حکم را نیز از اطلاق ماده ۳۲۰ قانون مجازات اسلامی استنباط نمود و ماده را صرفاً ناظر بر ختنه پسران ندانست.

در مجموعه آنچه از قوانین ایران در باب ختنه زنان و دختران برداشت می شود این است که: ۱. اولاً با توجه به عدم منع قانونی و اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها، چنین عملی جرم نمی باشد ۲. با توجه به حکم صریح قانون درخصوص مراجعه به منابع فقهی یا فتاوی معتبر جایز بودن چنین عملی استنباط می شود ۳. در صورتی که عمل ختنه انجام شود، چنانچه بیش از مقدار لازم باشد ضمان آور است و موجبات مسؤولیت ختنه کننده را فراهم می آورد که اگر به عمد انجام داده باشد مستوجب قصاص و در صورت غیرعمد بودن مستوجب پرداخت دیه یا ارش خواهد بود.

۲- بررسی حقوقی بریدن آلت تناسلی زنان

آنچه در گفتار قبل ذکر شد در باب ختنه زنان بود. اما همچنان که سابقاً توضیح دادیم در اسلام حکم بریدن آلت تناسلی زنان از حکم ختنه زنان متفاوت بوده و جرم و مستوجب مجازات می‌باشد. که در ذیل به شرح آن می‌پردازیم.

فقها تصریح نموده‌اند که بریدن لب‌های فرج زن چنانچه عمدی باشد، مستوجب قصاص است (محقق حلی، ج ۴-۳، ۱۳۸۶ش، ص ۵۴۵ و خویی، ج ۲، ص ۱۶۸) و در صورتی که قصاص ممکن نباشد و یا به صورت غیرعمدی باشد مستوجب دیه می‌باشد (محقق حلی، همان، ص ۵۴۵ و ۵۸۰ و خویی، همان، ۱۶۸ و ۳۱۳) و به همین ترتیب سایر جنایتی که به عضو تناسلی زن وارد شود که در صورت عمدی بودن و امکان قصاص حکم به قصاص می‌شود و در صورت غیرعمدی بودن و عدم امکان قصاص حکم به پرداخت ارش می‌شود (چون دیه مقدر ندارد).

قانون مجازات اسلامی نیز به تبعیت از فقه در ماده ۲۶۹ مقرر می‌دارد: «قطع عضو و یا جرح آن اگر عمدی باشد موجب قصاص است و... تبصره ۲ ماده مذکور نیز مقدر می‌دارد: «در مورد این جرم چنانچه شاکی نداشته باشد و یا شاکی از شکایت خود گذشت کرده باشد یا موجب قصاص نگردیده ولیکن سبب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد موجب حبس از سه ماه تا دو سال خواهد بود...».

ماده ۴۷۹ قانون مجازات نیز در باب دیات مقرر می‌دارد: «هرگاه آلت زنانه کلاً قطع شود دیه کامل دارد و هرگاه یک طرف آن قطع شود، نصف دیه دارد» و در باب سایر جراحات بر آلت تناسلی زنان با توجه به اینکه شرعاً دیه خاص معین نشده است جانی باید ارش بپردازد. بر همین اساس ماده ۳۶۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر جنایتی که بر عضو کسی وارد شود و شرعاً مقدار خاصی به‌عنوان دیه برای آن تعیین نشده باشد جانی باید ارش بپردازد».

۳- قوانین سایر کشورها

سازمان بهداشت جهانی و دیگر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای انجام عمل بریدن آلت تناسلی زنان را غیرقانونی اعلام نموده‌اند (شاو، ۲۰۰۱).

در بیانیه‌ای که سازمان بهداشت جهانی و چندین سازمان وابسته به سازمان ملل علیه ناقص‌سازی زنان در سال ۲۰۰۸ منتشر کرده است، ناقص‌سازی زنان به عنوان نقض حقوق بشر و استانداردها و هنجارهای انسانی شناخته شده است (بریدن آلت تناسلی زنان: www.wikipedia.org).

۶ فوریه هر سال به عنوان روز بین‌المللی جهت صفر شدن موارد بریدن دستگاه تناسلی زنان نام‌گذاری شده است که بیانگر تلاش و تعهد دولت‌ها جهت کاهش موارد بریدن دستگاه تناسلی زنان می‌باشد (Federal Government of Nigeria, 2004).

در ۱۵ کشور آفریقایی ناقص‌سازی زنان و دختران ممنوع می‌باشد (بریدن آلت تناسلی زنان: www.wikipedia.org).

در کشور مصر، دولت، ختنه زنان را از سال ۱۹۹۷م. غیرقانونی اعلام کرده است. همچنین مجلس شورای ملی مصر با تصویب قانون دیگری، در تاریخ ۷ ژوئن ۲۰۰۸م. ختنه زنان را به جز در شرایط استثنایی، جرم به شمار می‌آورد (همان).

در ساحل عاج آسیب زدن به آلت جنسی زنان به هر شکل کامل یا جزئی یا برداشتن، بریدن، بی‌حس کردن یا هر روش دیگری که سلامت زن را به خطر اندازد ممنوع بوده و مجازات ۱ تا ۵ سال زندان و جریمه نقدی ۳۶۰ هزار تا دو میلیون فرانک برای آن در نظر گرفته شده است (همان).

در انگلیس طبق «قانون ختنه زنان» مصوب ۲۰۰۳م. این عمل، حتی اگر با رضایت زن انجام شود، جرم تلقی می‌گردد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۶، ص ۳۴۰).

نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد، مشخص می‌شود ختنه زنان با بریدن آلت تناسلی زنان تفاوت دارد. درخصوص ختنه، دیدگاه پزشکان با فقیهانی که قائل به استحباب ختنه زنان می‌باشند، متعارض است. پزشکان کلیه انواع و درجات بریدن آلت تناسلی زنان اعم از ختنه و غیر آن را برای سلامتی جسمانی و روانی زنان مضر می‌دانند؛ در حالی که در دیدگاه فقهایی که قائل به استحباب می‌باشند، انجام ختنه بر عدم انجام آن ارجحیت دارد. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت، آن است که نظرات فقها مستند به روایات از معصومین (ع) و مبتنی بر اجماع بوده در حالی که علم پزشکی تا حدودی نسبی می‌باشد. به گونه‌ای که ملاحظه شده است، موضوعی را پزشکان برای سلامت انسان خطرناک دانسته، ولی در برهه زمانی دیگر با پیشرفت دانش پزشکی نظر مخالف داده‌اند. اما درخصوص بریدن آلت تناسلی زنان، هم فقها و هم پزشکان با آن مخالف می‌باشند. اسلام بریدن آلت تناسلی زنان و نیز وارد آوردن هرگونه جرحی را به آن حرام و جرم می‌داند. به هر ترتیب، پیشنهاد می‌گردد: اولاً فقها و پزشکان با بررسی دقیق‌تر و علمی‌تر به مسأله ختنه زنان بپردازند. ثانیاً از آنجایی که ختنه زنان به اتفاق علمای شیعه و اکثر علمای اهل سنت جزء واجبات نیست، پس لزومی به انجام آن وجود ندارد. لذا در حال حاضر بهتر است نسبت به ترک آن اقدام شود.

فهرست منابع

ابن قدامه، عبدالله - المعنى، ج ۱، المطبعة دارالكتاب العربی، الناشر دار الكتاب العربی، بیروت
احدی، هما - (۱۳۸۸ش). خدیوزاده، طلعت - علوی، قدیسه. اسماعیلی، حبیب اله، ختنه زنان در میناب:
شیوع، آگاهی، نگرش، مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین، شماره ۲۸
برزگر بفرویی، صادق - (۱۳۸۲). الكتب الاربعه، الجزء الاول و الثاني، الطبعة الاولى، قم، الناشر موسسه
انصاریان

بریدن آلت تناسلی زنان، برگرفته از سایت: www.wikipedia.org
البکری، سید ابی بکر - اعانه الطالبین، ج ۴، الطبعة الرابع، الناشر موسسه احیاء التراث العربی، بیروت،
لبنان

حنبل، احمد بن - مسند احمد، ج ۵، الطبعة دار صار، بیروت، الناشر دار صار، بیروت
الخویی، ابوالقاسم - میانی تکمله المنهاج، الجزء الثاني، للطباعة و النشر بیروت، لبنان
زراعت، عباس - (۱۳۸۱ش). شرح قانون مجازات اسلامی بخش دیات، جلد اول، چاپ سوم، تهران،
انتشارات ققنوس.

الشرینی، محمد - (۱۳۷۷ه.ق.). معنی المحتاج، ج ۴، المطبعة داراحیاء التراث العربی، الطبعة
شهید اول - (۱۳۸۹ش). لمعه دمشقیه، (ترجمه: علی شیروانی)، چاپ چهل، قم، انتشارات دارالفکر
صانعی، یوسف - (۱۳۸۴ش). مجمع المسائل، ج ۲، چاپ دوم، انتشارات میثم تمار، برگرفته از سایت:
www.fegh/fa/book.5-8.htm دی ماه ۱۳۹۱

عساکر، معروف بابن - (۱۴۱۵ه.ق.). تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۲، تحقیق: علی شیر، المطبعة دار الفکر،
الناشر دار الفکر

علامه حلی - (۱۳۷۴). تبصره المتعلمین، (ترجمه: ابوالحسن شعرانی)، چاپ چهارم، ناشر کتابفروشی
اسلامیه

فلاح زاده، محمدحسین - (۱۳۸۳ش). احکام کودکان از تولد تا بلوغ، چاپ اول، انتشارات دلیل ما
قرضاوی، یوسف - (۱۳۸۰ش). دیدگاه های فقهی معاصر، ج ۱، (ترجمه: احمد نعمتی)، چاپ اول، نشر
احسان

لطفی، اسداله - (۱۳۸۰)، مباحث حقوقی شرح لمعه، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
مجلسی، محمدباقر - (۱۳۷۵)، حلیه المتقین، چاپ اول، انتشارات بهزاد.
المحقق الحلی - (۱۳۸۶)، شرائع الاسلام، ج ۴-۳ و ۲-۱، الطبعة الاولى، قم، انتشارات رشید.
مکارم شیرازی، ناصر - (۱۳۷۸)، استفتائات جدید، ج ۲، (تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی). برگرفته
از سایت: www.sharifidoost.com/Book-ISLAMic/makarem/08/20.htm . دی

ماه ۱۳۹۱

نجفی، محمدحسن - (۱۳۸۶)، جواهر الکلام، ج ۳۱، چاپ پنجم، ناشر اسلامیه.
میرمحمدصادقی، حسین - (۱۳۸۶)، جرایم علیه اشخاص، چاپ اول، نشر میزان.

- Taylor V, 2003 female genital mutilation: cultural practice or child abuse? *Pediatric Nursing* feb;15(1):31-3
- Barstoe D, 1997 female genital mutilation the penultimate gender abuse. *Child Abuse Negl* ;23(5):501-10
- Abu sahliah S, 1994 To mutilation in the name of jehovah or Allah: legitimization of male and female circumcison. *Med law july*;130(7-8):575-622
- Getnet M, wakgari D, 2009: prevalence and associated factors of female genital sectional study: BMC public Health, g:264 mutilation among Somali refugees in eastern E Ethiopia: a cross-
- World Health organization, 2008 Eliminating female genital mutilation: an interageney statement UNAIDS, UNDP, UNECA, UNESCO, UNFPA, UNHCHR, UNICEF, UNIFEM, WHO. Geneva, Switzerland.
- World Health organization, 1997: femal Genital Mutilation Geneva ,Switzerland: world Health organization
- Robinson, B.A 2001, female genital mutilation in Africa, the Middle East and fareast, at: <http://www.religioustolernce.org/fem-cirm.htm>
- Almroth , Almroth-Berggrenv, Hassanein OM , Hedi NE1, AL-Said sse, Hasans sa, Lithell U-B, Bergstroms, 2001: A community based study on te change of practice of female genital mutilation in a Sudaneserillag , *Intj Gynecology obstet* , 74: 179-185.
- Jones Sd, Ehirij, Anyawue, 2004: female genital in developing countries: an agenda for public health response. *Eurg obstet Gynecol Reprod Biol*, 116:144-151.
- Federal Government of Nigeria 2004. the Nigerian Government Declares Nigeria is FGM Elimination Day at: [http://www.afrol.com\(2004.April1\)](http://www.afrol.com(2004.April1))
- Unicef, 2005, femal genital mutilation/cutting , A statistical Exploration , November
- Show R. 2001, Female genital cutting: distinguishing the rights from the health agenda. *Tropical medicine and international Health*; 6(n):89-91

مسعود بسامی، طاهره پاشایی، شهناز قره تپه، آمنه قره تپه

یادداشت شناسه مؤلفان

مسعود بسامی: پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات کرمانشاه، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی

طاهره پاشایی: دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

شهناز قره تپه: دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی

آمنه قره تپه: کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

نشانی الکترونیکی: mbassami1360@gmail.com

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۸۹/۷/۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۹/۱۰